

مطالعه قوم‌نگاری حصیربافی مردم عرب خوزستان

منصور کلاه‌کج*

مهناز بنی‌تمیم**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۳

چکیده

برای مردمی که در طول تاریخ با درخت نخل زیسته‌اند، به‌جز ارزش نمادین این درخت و معناهای مشترک آن، محصولات به‌دست‌آمده از این گونه گیاهی نیز، همواره ارزشمند و کاربردی بوده است. این همزیستی دیرینه و نیز تقدس برآمده از ارزش ویژه درخت نخل یکی از دلایلی بوده که نخل‌داران حصیرباف عرب خوزستان، کمتر از بخش مرغوب نخل که به زبان آن مردم «قلب» نام دارد، در دست‌بافته‌های حصیری خود بهره‌برند. در نتیجه عمده محصولات حصیری این مردم، اقلامی است که از بخش نامرغوب یا دورریز نخل به نام «سعف» به دست آمده و بر همین اساس در برخی از مناطق زیست مردم عرب خوزستان از حصیربافی به نام «صنعت سعف» یاد می‌شود. همچنین در میان دست‌بافته‌های حصیری این مردم شیوه‌ای از بافت متفاوت از برخی دیگر مناطق کشور رایج است که متأثر از ویژگی فیزیکی برگ درخت نخل این منطقه است. بر این اساس در این پژوهش به سؤالاتی از جنس، چپستی شیوه‌های بافت حصیر و چگونگی تأثیر مواد طبیعی و باورهای مردم عرب بر روش بافت و نوع محصولات تولیدی آن پاسخ داده می‌شود. هدف این پژوهش، شناخت دست‌بافته‌های برآمده از مواد طبیعی نواحی مختلف ایران و به اشتراک‌گذاری تجربیات مربوط به این حوزه است. رویکرد این تحقیق کیفی است که با تکیه بر مطالعات میدانی و منابع کتابخانه‌ای به شیوه توصیفی و تحلیلی بیان می‌شود. بر اساس یافته‌های این مقاله، محصولات حصیری مردم عرب به دو روش اسفافه و اخرازه بافته می‌شوند که هریک از این دو روش، خود به دو شیوه مختلف اجرا می‌شوند. بافت خشکوری و نمائی زیرمجموعه بافت اسفافه و بافت اخرازه و اخرازه لویی زیرمجموعه بافت اخرازه است. تفاوت مهم شیوه بافت حصیر مردم عرب با سایر نقاط کشور، بافت نواری و سپس دوختن نواریها به یکدیگر در برخی از اقلام است. این در حالی است که بافت محصولات مناطق دیگر به‌صورت یکپارچه و بدون دوخت است. نتیجه اینکه دلیل رواج این نوع بافت، کوتاهی نسبی برگ‌های نخل مناطق خوزستان است که شاید خود نشئت‌گرفته از گرمای بسیار شدید در خوزستان و تاب‌آوری بهتر گونه‌های برگ کوتاه در مقابل گرما باشد. درحالی‌که در مناطق دیگر طول برگ نخل بلندتر است. عنصر واسط دوخت در بافت نواری موجب ظرافت کمتر و در نتیجه به هم خوردن نظم مدولار نقوش می‌شود، درحالی‌که ظرافت نقش، در بافت یکپارچه بیشتر و دارای کیفیت بصری بیشتری است.

کلیدواژه‌ها:

حصیربافی، نخل، خوزستان، مردم عرب، صنایع دستی.

* استادیار گروه گرافیک، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول) / Mansor.kolahkaj@gmail.com
** دانشجوی کارشناسی‌ارشد، گروه پژوهش هنر دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران / hamshahry123@gmail.com

۱. مقدمه و بیان مسئله

به جز عوامل اقلیمی چون، آب، خاک، هوا، عوامل مختلفی دیگری چون عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیرساختی همواره بر تولید نوع محصولات یک منطقه نقش دارند. برخی از این عوامل، اصلی و برخی دیگر مداخله‌گرند. تأثیر برخی از این عوامل به گونه‌ای در نوع تولیدات حصیری مردم عرب خوزستان دیده شده و نتیجه آن گرایش به تولید محصولات خاص و یک روش بافت خاص است. این گرایش عواملی چندگانه‌ای دارد که از جمله آن‌ها، هم‌زیستی دیرپا و نیز تقدس ویژه این درخت در نزد این مردم نسبت به سایر نقاط است. این هم‌زیستی دیرینه و نیز تقدس برآمده از ارزش ویژه درخت نخل، یکی از دلایلی بوده که نخل‌داران حصیریاف عرب خوزستان، کمتر از بخش مرغوب نخل که به زبان آن مردم «قلب» نام دارد، در دست‌بافته‌های حصیری خود استفاده کنند. در نتیجه عمده محصولات حصیری این مردم، اقلامی است که از بخش نامرغوب یا دورریز نخل به نام «سعف» به دست آمده و بر همین اساس در برخی از مناطق زیست مردم عرب خوزستان از حصیریافی به نام «صنعت سعف» یاد می‌شود. همچنین در میان دست‌بافته‌های حصیری این مردم شیوه‌ای از بافت متفاوت از برخی دیگر مناطق مختلف کشور رایج است که متأثر از ویژگی فیزیکی برگ درخت نخل این منطقه است، چستی شیوه‌های بافت حصیر و چگونگی تأثیر مواد طبیعی و باورهای مردم عرب بر روش بافت و نوع تولید محصول از جمله سؤالاتی است که در این پژوهش به آن پاسخ داده می‌شود. همچنین در این پژوهش به سؤالات دیگری درباره چستی تولیدات حصیری این مردم، روش‌های بافت و انواع نقوش مرتبط با هر روش پاسخ داده می‌شود. این پژوهش بدان سبب ضروری است که بخشی از ارزش‌های فرهنگی در آستانه فراموشی فرهنگ ساکنان فلات ایران را بر ما معلوم می‌کند. بافت‌ها و روش‌هایی که در دست به دست شدن بین نسل‌ها احتمال فراموشی آن وجود دارد. نمونه آن تکنیک بافت خشکوری در برخی اقلام حصیر مردم عرب است؛ تکنیکی که کاملاً ارکانیک از نخل و بدون الحاقات دیگر است و از اینکه در پژوهش‌های پیشین اشاره‌ای به آن شده باشد، اطلاعی در دست نیست. همچنین بُعد دیگر ضرورت این پژوهش، شناخت عناصر مشترک فرهنگی کشورهای همجوار است؛ شناختی که ضمن تعامل و تبادل فرهنگی می‌تواند بازار مشترکی برای دو سوی مرزهای جنوب غربی ایران باشد و بافندگان این منطقه را از عایدات اقتصادی آن بهره‌مند کند.

۱-۱. پیشینه پژوهش

یکی از قدیمی‌ترین منابعی که به حصیریافی خوزستان اشاره کرده، کتاب صنایع دستی کهن ایران اثر «هانس ولف»^۱ (۱۳۷۲) نویسنده آلمانی است. در این کتاب فقط به بوریافی و پرده‌های حصیری در خوزستان اشاره شده است. «لایارد»^۲ (۱۳۷۶) در سفرنامه خود، از حصیر و بوریا که برای ساختن سرپناه و «مضیف»^۳ استفاده می‌شده، به کرات نام برده است. «ویلفرد تسبیجر»^۴ (۱۳۸۰) در کتابی به نام عرب‌های هور^۵ روایتی از زندگی هورنشینان جنوب عراق را منتشر کرده که بنا بر نوشته مترجم، بی‌شابهت به زندگی عرب‌های هور ایران در خوزستان نیست. در این کتاب از انواع ظروف، سرپناه، زیرانداز، قایق از جنس حصیر و بوریا نام برده شده و به توضیح جزئیات آن‌ها نیز پرداخته شده است. در کتاب احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم که در اواخر قرن چهارم هجری نوشته شده، به حصیریافی شهر «عبادان» (آبادان) اشاره شده و از دو نوع معروف حصیر که در این شهر بافته می‌شد، نام برده است. یآوری و دیگران (۱۳۹۵) در کتاب حصیر و حصیرماندها از حصیریافی مردم عرب خوزستان نامی نبرده‌اند. مزیت این پژوهش نسبت به پژوهش‌های قبلی، بیان تکنیک‌ها، روش‌های بافت نقش‌ها و نیز ابزارهای حصیریافی مردم عرب خوزستان با جست‌وجو و حضور میدانی در برخی از مناطق مهم بافت این محصول است.

در قیاس با پیشینه، اهمیت این پژوهش در آن است که نگارندگان با حضور میدانی در مناطق عرب‌نشین کم‌تردد خوزستان و در گفت‌وگوی مستقیم با بافندگان محلی و هم‌زبانی آن‌ها، اطلاعات کاربردی جدیدی از تولیدات حصیری این مردم را ارائه کرده‌اند. سوبه بارز دیگر این پژوهش، بیان اطلاعاتی جزئی از نقش‌ها و بافت‌های مناطق مختلف در گستره سرزمینی پراکنده و تجمیع آن‌ها در ذیل پژوهشی قوم‌نگارانه است. برای مثال یک بافت یا روش، ممکن است در جایی از همین مناطق منسوخ شده و در جایی دیگر تداوم داشته باشد. بنابراین جنبه‌های نوآورانه این پژوهش نشئت‌گرفته از جامع بودن آن و جمع‌آوری داده‌ها در گستره‌ای وسیع، پراکنده و با فاصله از مسیرهای اصلی است.

۲. روش تحقیق

۱-۲. فرایند اندیشه‌یابی در بافت پژوهش قوم‌نگاری

این پژوهش که از نظر هدف بنیادی است، رویکردی قوم‌نگارانه به حصیریافی مردم عرب خوزستان دارد. به‌گفته قاسمی و اخگری در پژوهش قوم‌نگاری که هدف آن درک رفتار یا فرهنگ گروه مورد مطالعه است، به توصیف علمی فرهنگ‌های مختلف و فرایندهای ایجادشده در شرایط

طبیعی پرداخته می‌شود. در این شیوه، پژوهشگر با مشارکت در گروه یا قوم به صورت آشکار و پنهان به مشاهده رویدادها یا شنیدن و دیدن آن‌ها، از طریق مصاحبه و گفت‌وگو با رویکردهای مختلفی از جمله انعطاف‌پذیری به جمع‌آوری داده‌ها می‌پردازد (قاسمی و اخگری ۱۴۰۰، ۶۳۲). از میان انواع متنوع پژوهش‌های قوم‌نگارانه چون کلاسیک، نظام‌مند، تفسیری و انتقادی، پژوهش حاضر پژوهشی نظام‌مند است. پژوهش نظام‌مند توصیف ساختار فرهنگ با توجه به شیوه زندگی یک گروه است. در این فرایند در چهارچوب پژوهش‌های قوم‌نگارانه به توصیف ساختار فرهنگی جامعه مورد مطالعه و تأکید بر شیوه زندگی آن‌ها در حیطه موضوع، با رویکردی مشارکت‌گرا و استفاده از شیوه قوم‌نگاری ارتباطات که از ویژگی‌های پژوهش قوم‌نگارانه است، پرداخته شده است. در این راستا با پیش رو قرار دادن الگوی مردم‌نگارانه «آگار» که به ترتیب شامل شروع کار میدانی، محدود کردن دامنه مطالعه، جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل و استنتاج آن‌هاست، نتیجه ارائه شده است. شایان ذکر است که در مطالعه قوم‌نگارانه عوامل متعددی مداخله دارند که از نگاه پژوهشگران، عامل مؤثر در حیطه این موضوع یعنی حصیریافی، شرایط محیطی است. با توجه به گستره مکانی، پژوهشگران این تحقیق، در میدان پژوهش خود با ترکیبی از مصاحبه‌های ساختاریافته و ساختارنیافته با محوریت مطلعین و فعالین این حوزه و ثبت دیده‌ها و شنیده‌ها و سر زدن به جاهای مهم و مؤثر در حیطه موضوع که جزء کار قوم‌نگار است، جنبه روایی این پژوهش را تقویت کرده و با تجمیع و تکمیل داده‌ها در فرایندی سه‌ضلعی (استفاده از چند سند و منبع برای صحت مطالب) از مطلعین و خبره‌های این حرفه، پایایی نتایج را استحکام بخشیده‌اند. نمودار ۱ فرایند اجرای این پژوهش را از میان مکاتب، محورها، رویکردها و ویژگی‌های پژوهش قوم‌نگارانه نشان می‌دهد. در این پژوهش، از منابع کتابخانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی به‌طور عمده برای بیان پیشینه و سوابق تحقیق استفاده شده است. برخی از اطلاعات کتابخانه‌ای این تحقیق از کتب فارسی، لاتین و عربی چاپ‌شده در کشور عراق به دست آمده است.

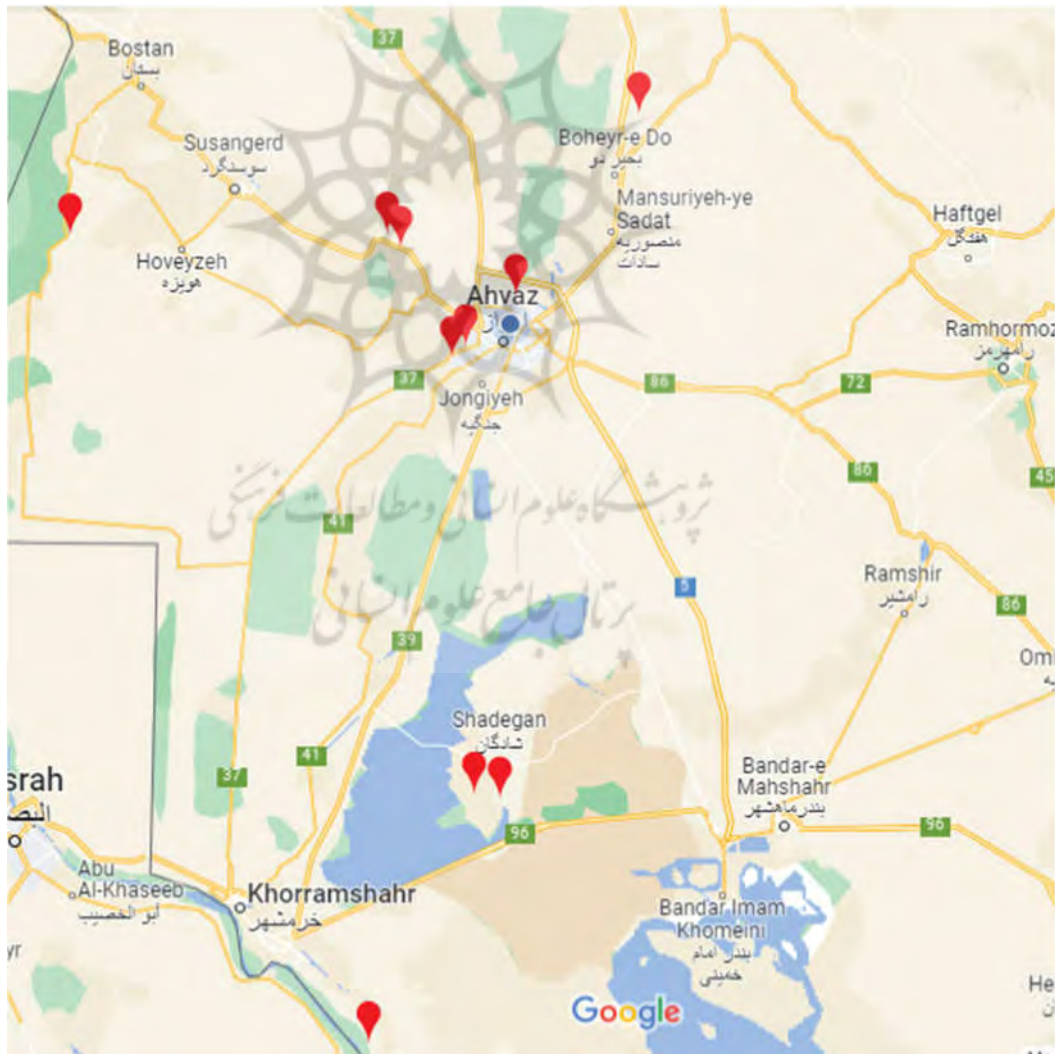


نمودار ۱: فرایند انجام این پژوهش در بافت پژوهش قوم‌نگارانه بر اساس مکاتب، ویژگی‌ها، نوع قوم‌نگاری، الگوی قوم‌نگاری، جمع‌آوری داده‌ها، عوامل اثرگذار بر قوم‌نگاری، محورهای جمع‌آوری اطلاعات و روش ارزیابی (ترسیم نگارندگان)

۲-۲. توصیف میدان پژوهش

حصیریافان عرب خوزستان در مسیر تداوم فرهنگ خود با عناصر و موادی در دسترس و بعضاً متفاوت، با توجه به نیاز و دسترسی‌های خاص خود، به بهره‌گیری از عناصر طبیعی پیرامونی و کاربرد آن و نیز رفع مایحتاج پیرامونی مشغول‌اند. در این بافت فرهنگی نخل و فراورده‌های آن، همواره دارای منزلتی خاص بوده و در اغلب منازل به‌جز میوه و برگ، جنبه نشانگی و نمادین این درخت همواره ارزشمند بوده است. به نظر می‌رسد عمده وجه نمادین نخل، نشئت‌گرفته از دو ارزش پیشین آن یعنی میوه و برگ درخت است. با توجه به اینکه برداشت میوه درخت نخل فصلی و مقطعی است و استفاده از برگ این درخت برای مصارف متنوع دائمی است، برای حصیریافان برگ نخل کم‌اهمیت‌تر از میوه آن نبوده است. این مسئله در سکونتگاه‌های دائمی مردم عرب خوزستان بیشتر قابل درک است. سکونتگاه‌هایی که به‌علت تاب‌آوری بیشتر در گرمای طولانی سال، اغلب نزدیک به آب‌های سطحی و روان‌آب‌ها یا وابسته به آن‌ها بوده است. در این جغرافیای سخت‌زیست و گرمای فرساینده، سایه‌سازی و سرپناه به‌جز انسان، برای دام و احشام هم اهمیت دارد. این سایه‌سازی در گذشته با در دسترس‌ترین عناصر پیرامونی به طرق مختلف ایجاد یا بافته می‌شد و اغلب روستاییان خود در کار بافت این پوشش‌های گیاهی تخصص داشته‌اند. بخش زنانه این کار، ساخت یا بافت

مایحتاج زندگی و لوازم و ابزارآلات برای زندگی خود بود. با توجه به اقامتگاه‌های ثابت و مصالح کنونی بافته‌های حصیری و گیاهی امروزه به صورت تخصصی‌تر به وسیله افراد خاص و حرفه‌ای و با چشم‌انداز فروش انجام می‌شود. معمولاً در هر روستا یا محله به تبع شرایط زندگی، چند بافنده وجود دارد و از این راه معیشت خود را تأمین می‌کنند. اما آمار مشخصی از تعداد بافندگان حرفه‌ای یا تقنی و شخصی‌ساز وجود ندارد. در شهرها و روستاهای دارای نخل بیشتر، چون آبادان، شادگان، کارون و حمیدیه از هردو بافت اسفانه و اخرازه استفاده می‌شود، اما در شهرها و مناطق دارای نخل کمتر معمولاً کسانی که تنور پخت نان دارند، ظروف مورد نیاز این چرخه زندگی را خود با تکنیک اخرازه می‌بافتند. داده‌های میدانی این پژوهش، نتیجه سفر به شهرها و روستاهایی بود که بافندگان حصیر مردم عرب در آنجا اقامت داشته‌اند. این شهرها و روستاها شامل شوشتر، اهواز، حمیدیه، سوسنگرد، آبادان، شهر کارون، رفیع، شادگان و روستای «نقیشیات» در شوشتر، روستاهای «عبودی» و «بویه» در شادگان، روستاهای «حلاف» و «گمبوعه بزرگ» در حمیدیه و روستاهای «غزایوبه بزرگ» و «علوه» در شهرستان کارون بوده است. دلیل انتخاب این مناطق و نیز مصاحبه‌ها آگاهی از شیوه‌های مختلف بافت حصیر در مناطق پراکنده مختلف حصیربافی خوزستان بوده است. در تصویر ۱ گستره این مناطق مشخص شده است. همچنین در این خصوص با برخی مطلعانی که درباره عناصر و مراحل بافت حصیر تجربه داشته یا مشغول کار بوده‌اند مصاحبه شده است. جدول ۱ مشخصات مصاحبه‌شوندگان این پژوهش را نشان می‌دهد. شیوه انتخاب این افراد هدفمند و بر اساس تخصص و اطلاعاتی بوده که این افراد داشته و تعداد آن‌ها هفت نفر بوده است. این هفت نفر از مناطق مختلف بافت حصیر خوزستان بوده و جزء فعالان نمایشگاهی این حوزه نیز بوده‌اند.



تصویر ۱: نقشه و گستره مناطق میدانی که پژوهشگران به بافندگان حصیر مراجعه کرده‌اند (نگارندگان).

جدول ۱: اسامی و مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	نام خانوادگی و نام	سن	سابقه کار	میزان تحصیلات	محل مصاحبه	تاریخ مصاحبه	محور گفت‌وگو
۰۱	بروایه، فاطمه	۴۰	۱۰	لیسانس	شهر کارون	۱۲ دی ۱۳۹۷	اشکال حصیربافی
۰۲	زهیری، مریم	۴۵	۲۰	زیر دیپلم	شهر کارون	۱۰ دی ۱۳۹۷	حصیربافی
۰۳	سبحانی، زهرا	۴۳	۲۰	زیر دیپلم	شهر کارون	۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸	تقش، طبا اب طبا
۰۴	تختایی، مریم	۴۵	۲۰	دیپلم	دزفول	۴ آذر ۱۳۹۷	بافت کپو
۰۵	دلف‌عبودی، حسنه	۶۵	۵۰	زیر دیپلم	گمبوعه	۲۵ آذر ۱۳۹۷	رنگ برگ نخل و تکنیک اسفافه
۰۶	برکتی، عادل	۴۸	۲۲۸	دیپلم	سوسنگرد	۱۱ دی ۱۳۹۷	رنگرزی رنگ برگ نخل
۰۷	سعیدی، عباس	۷۰	۶۰	زیر دیپلم	شادگان	۲۰ دی ۱۳۹۷	رنگ برگ نخل

۳. بحث و تحلیل

بحث و تحلیل این تحقیق، دربرگیرنده مباحثی چون تقدس نخل در نزد مردم عرب خوزستان و چگونگی تأثیر آن بر تولیدات حصیری این مردم، روش‌های بافت، محصولات، نقوش شکل و نوع رنگ‌آمیزی و مانند آن است.

۱.۳. تقدس نخل نزد مردم عرب خوزستان و تأثیر آن بر تولیدات حصیری

در غالب فرهنگ‌ها مفهوم لغوی تقدس به معنای پاکیزه و مبراست. از دیدگاه اسلام منشأ تقدس یک چیز، نسبت آن با خداوند است. تقدس به دو گونه تقسیم می‌شود: نخست تقدسی که اصالتاً واجد تقدس است و دیگری آن چیزی است که پیوندی با امر مقدس دارد. تقدس اول اصلی و تقدس دوم تبعی است. تقدس تبعی سرایت‌شده است، یعنی اینکه تقدس خود را از مجاورت با یک شیء دیگر به دست آورده است؛ به عبارتی تقدس درخت نخل به دلیل نسبت آن با برکت و رزق و امور ارزشمند قابل احترام از دیدگاه تعالیم دینی است. به گفته علی‌زاده درهم‌آمیختگی باورها و اعتقادات با برخی از مفاهیم دینی و دین‌های اولیه و یادکردهای قرآنی از برخی از درختان از جمله علل تقدس درختان است (علی‌زاده ۱۳۹۸). در جامعه‌شناسی تقدس بخشی، فرایندی برای تبرک بخشیدن به یک شیء، یک موجود زنده، یک باور یا اسطوره است. بنا بر آنچه گذشت تقدس درخت نخل تقدسی تبعی است که به گمان نتیجه برهم‌کنش میان باورهای انسانی و عناصر طبیعت است. به گفته شعباوی گاهی این برهم‌کنش، برخی از عناصر طبیعت را تا حد تقدس بالا می‌برد (شعباوی ۱۳۹۶). در گفت‌وگوی به شبکه خبری محلی عصر ما) و این تقدس با میان‌داری باورهای دینی بیشتر می‌شود. از سویی گمان می‌شود به دلیل اشتراک زبان مردم عرب با کتب مقدس و روایات ادراک آنان از مفهوم مقدس، بلاواسطه، مستقیم یا اصیل‌تر است. بر این اساس گرچه درخت در همه فرهنگ‌ها مقدس است، در بافت فرهنگی مردم عرب این تقدس متکی بر عناصر سه‌گانه‌ای به شرح زیر است:

۱. هم‌زیستی چند هزارساله این مردم با نخل؛

۲. قابل استفاده بودن غالب قسمت‌های این درخت چون برگ، تنه و لیف برای تولید انواع محصول؛

۳. جایگاه غذایی و سودمندی میوه رطب برآمده از نخل که به توصیه اولیای دین پاکیزه‌ترین و بهترین است (و به همین دلیل، خدا حضرت مریم را به خوردن آن راهنمایی کرد).

این مفاهیم در بافت فرهنگی مردم عرب که برکت و روزی‌رسانی برای آنان جایگاهی ویژه دارد، قابل فهم‌تر است. به گفته ضابطی جهرمی، جایگاه نخل در اساطیر عبری، مسیحی اسلامی و به‌طور کلی ادیان الهی و سامی ویژه بوده به گونه‌ای که هریک از پیامبران اولوالعزم معجزه یا کار شگفتی با نخل داشته‌اند. در اساطیر مسیحی تمام روایت‌های مرتبط با تولد حضرت عیسی (ع) با نخل پیوند خورده است (ضابطی جهرمی ۱۳۸۹، ۲۸۴-۲۸۷). این درخت در اغلب مناطق نخل‌خیز ایران به درخت زندگی مشهور است و احترام و قداست ویژه‌ای نزد آن‌ها دارد. درباره این درخت رفیعی‌راد می‌گوید: درخت نخل سابقه‌ای طولانی در میان‌رودان و ایران دارد. این درخت در ایران باستان مقدس بوده و میوه آن جنبه باروری داشته و در عهد هخامنشی و ساسانی به‌عنوان درخت زندگی شناخته می‌شده است (رفیعی‌راد ۱۳۹۹، ۲۷).

اگرچه چتر سایه نخل گسترده و متراکم نیست، اما کلاه بافته‌شده از این درخت در فصل خرم‌پزان سایه‌گستر نخل‌دار بوده است. نخل

معمولاً بدون ممارست انسان و حرص دائمی چندان قد نمی‌کشد. همراهی و هم‌نوایی نخل‌دار با این درخت، گونه‌ای انس میان وی و درخت ایجاد کرده است. همچنین تاب‌آوری نخل در صحرای سوزان و بیابان‌های جغرافیای زیست مردم عرب، سبزی دائمی، ایستایی، بی‌خزانی، باروری و گرده‌افشانی به‌وسیله انسان و برخی از تشابهات این درخت به انسان از جمله جان باختن بدون سر، واحد شمارش آن به نفر، پاره‌ای دیگر از ویژگی‌های خاص نخل است.

از ویژگی‌های خاص بصری این درخت وجود مجموعه‌ای از هماهنگی‌های بصری (ریتم) در برگ، شاخه، تنه (برش زیبا، متوازن و ریتمیک تنه نخل که معمولاً نخل‌دار در فرایند حرص، با هنرنمایی نخل‌داران تکمیل می‌شود) و خودنمایی، وضوح و خوانایی نمادین شکل آن است. مردم عرب خوزستان، ضمن بهره‌گیری چندگانه از این درخت از تمام قسمت‌های آن در فصول مختلف سال بهره می‌گیرند. از نگاه مردم عرب خوزستان خانه‌ای که در آن نخل است، ارجمندتر و گران‌بهارتر است (تصویر ۲ و ۳).

تصویر ۲: فراوانی وجود نخل در منازل مردم عرب. مکان: شهر عرب حسن شوستر (نگارندگان)



تصویر ۳: فراوانی و جایگاه نخل در میان مردم عرب و وجود آن در منازل این مردم. مکان: شهر عرب حسن شوستر (نگارندگان)



اینکه تقدس و ارزشمندی چگونه بر تولیدات این مردم تأثیر گذاشته، ارتباط مستقیمی با کیفیت متفاوت برگ‌های درخت نخل دارد. برگ درخت نخل که برای حصاربافی استفاده می‌شود، دارای مراتبی است که هرچه برگ نخل از مرکز آن یا به‌گوشی مردم محلی از گلب (قلب) نخل دور باشد، کیفیت آن کمتر است. برگ‌های درخت نخل از مرکز درخت نخل به بیرون به نام‌های گلب، حضان^۷، بردل^۸ و سعف^۹ نامیده می‌شوند. برخی از خواص این برگ‌ها به شرح زیر است:

۱. قلب: برگ درخت نخل (خوص) است که در سر درخت رشد می‌کند و رنگ آن پس از خشک شدن به سفید متمایل می‌شود. برگ قلب مرغوب، محکم و گران‌قیمت است و برای بافتن ظروف و وسایل باکیفیت مانند انواع کاسه‌ها، آبکش، ظروف جای نان و مانند آن به کار می‌رود و با روش بافت اخرازه (کیو) بافته می‌شوند. به‌علت حیاتی بودن برگ‌های نزدیک به سر درخت و حفظ جان نخل، این نوع بافت در میان مردم عرب چندان مورد استقبال نبوده است. تنها برگ مناسب کپوبافی برگ قلب است.

۲. حضان: خواهر قلب (اخت الگلب) برگ‌های نزدیک به قلب است و کیفیت برگ‌های قلب را ندارد.

۳. بردل: ردیف پایین‌تر برگ‌های نخل بردل نامیده می‌شود. برگ‌های بردل و حضان برای بافت سفره، کلاه، طبق و ظروفی که ظرافت و دوام کمتری دارند استفاده می‌شوند.

۴. سعف: برگ‌های سعف ارزان‌ترین و قابل دسترس‌ترین برگ‌های نخل است که مصرف عمده آن برای تهیه محصول «جارو» است و به نام برگ جارو هم شناخته می‌شوند. جاروهای باکیفیت را از برگ‌های سعف درخت نخل جوان تهیه می‌کنند. تصویر ۴ تقسیم‌بندی و نام‌گذاری برگ‌های درخت نخل را از نظر مردم عرب خوزستان نشان می‌دهد.



تصویر ۴: تصویر درخت نخل و دسته‌بندی برگ‌های آن از نظر حصیربافان عرب خوزستان. بخش گلب (قلب) و برگ‌های نزدیک به آن دارای کیفیت بهتر و بخش سعف و بخش‌های نزدیک به آن دارای کیفیت کمتری است (نگارندگان).

تقدس و جایگاه ویژه نخل در نزد مردم عرب و توجه ویژه نخل‌داران به برگ‌های بخش سر نخل و به تعبیر این مردم، قلب (گلب)، که بخش حیاتی درخت است، یکی از عوامل تمرکز مردم عرب بر بافت اسفافه و نیز تولیدات برآمده از آن است. تولیدات این نوع بافت نیاز به برگ نخل با کیفیت پایین‌تر یا همان بخش سعف دارد. صناعت السعف (یکی از نام‌های صنعت حصیر در نزد مردم عرب) به همین دلیل است. گرچه دیگر دلایل این نام‌گذاری، تنوع اقلام تولیدی از برگ‌های کم‌کیفیت درخت، پرمصرف بودن و نیز کم‌دوام بودن این نوع محصولات است.

۲.۳. تبارشناسی حصیر

حصیر به‌تقل از غالب فرهنگ‌ها به فرش بافته‌شده از نی و برگ درخت خرما گفته می‌شود. در فرهنگ معین و دانشنامه اسلامی حصیر به‌ترتیب، چنین معنی شده است. حصیر یا بوریا نوعی فرش است که از برگ خرما بافته می‌شود. همچنین به «زیراندازهای بافته‌شده از خرما یا نی، حصیر می‌گویند»^۱ به‌نظر علت حصیر نامیدن دو محصول برآمده از گیاه نی و برگ درخت نخل، شیوه بافت یکسان این دو گیاه است که با زیر و رو کردن و پیچاندن دور هم با گیاهی دیگر به دست می‌آید. این در حالی است که بافته‌های به‌دست‌آمده از برگ درخت نخل دارای تنوع بیشتری در محصول و نقش است. مردم عرب خوزستان هم محصولات به‌دست‌آمده از برگ درخت نخل را حصیر^{۱۱} و تولیدات حاصل از ساقه‌های نی تالاب‌ها را بوریا^{۱۲} می‌گویند.

حصیربافی با مجموعه فراگیر تولیدات آن زیرمجموعه صنایع چوبی است. محصولات حصیری با توجه به تولید متنوع به رشته‌هایی چون لیغ‌بافی^{۱۳}، موربافی^{۱۴}، بافت با ساقه گندم، ترک‌بافی^{۱۵}، جم‌بافی^{۱۶}، مرواربافی^{۱۷}، باموبافی^{۱۸} و چیغ‌بافی^{۱۹} تقسیم می‌شوند. یآوری در این‌باره می‌گوید: حصیربافی یا بافت بوریا، بی‌گمان از قدیمی‌ترین صنایع دستی و شاید کهن‌ترین آن‌ها باشد. نمونه‌های به‌دست‌آمده در بین‌النهرین و آفریقا گواه آن است که حصیربافی و سب‌بافی منشأ نه‌فقط نساچی، بلکه سفالگری یا کوزه‌گری نیز بوده است (یآوری ۱۳۹۶، ۱۳). هانس ولف بوریا بافی و زنبیل‌بافی را قدیمی‌تر از پارچه‌بافی عنوان کرده و گفته است: نمونه‌هایی در عراق پیدا شده که باید متعلق به پنج هزار سال پیش از میلاد مسیح باشد (ولف ۱۳۷۲، ۱۹۸). یآوری می‌گوید: نکته قابل توجه این است که در اغلب منابع حصیر و بوریا در کنار هم و به یک معنی تعریف شده است (یآوری ۱۳۹۶، ۱۳). باید اشاره کرد که بوریا بافته‌ای از جنس نی است و اغلب برای پوشش خانه‌های کاه‌گلی با سقف تیر چوبی به کار برده می‌شود (تصویر ۵). درحالی‌که حصیر از جنس برگ درخت نخل است و بافته‌های متنوع‌تری دارد (تصویر ۶). با توجه به آنچه گفته شد بوریا شامل بافته‌های برآمده از نی و حصیر دربرگیرنده بافته‌های به‌دست‌آمده از درخت نخل است. شهر «رفیع» در جوار شهرستان هویزه به‌علت مجاورت با هورالعظیم و منابع بی‌شمار نی، مرکز بوریا بافی یا حصیرهای به‌دست‌آمده از نی در خوزستان است. به‌نوشته «ویل دورانت»^{۲۰} اولین ساخته‌های بشر همین حصیرها و سبدهای بافته‌شده‌اند که قدمتی بیش از سفال دارند و بشر روش ساخت آن‌ها را از آشیانه پرنده‌گان الهام گرفته است.

تصویر ۶: بخشی از یک بادبزن؛ ماده اولیه برگ درخت نخل (نگارندگان)



تصویر ۵: بوریا بافی سقفی قابل کاربرد در سقف خانه‌های روستایی. ماده اولیه: نی (نگارندگان)



۳.۳. حصیربافی در ایران

به‌گفته یآوری، حصیربافی در ایران قدمتی طولانی دارد. وی به‌نقل از «شاردن» گفته است: مرغوبیت نی‌های بین‌النهرین موجب شده تا این مواد در صنعت پررونق حصیربافی سیستان مورد استفاده قرار گیرد (یآوری ۱۳۹۶، ۱۳-۱۴) با وجود وسعت و گستردگی مناطق تولید حصیر در

ایران، استان‌هایی چون خوزستان، سیستان و بلوچستان، بوشهر، هرمزگان، کرمان، فارس، یزد، مازندران و گیلان در زمینه تولیدات انواع حصیری سرآمد هستند. استان‌هایی چون اصفهان، آذربایجان شرقی، تهران و ایلام هم در این زمینه، تولیدات، روش‌های و مواد اولیه خاص خود را دارند.

۴-۳. حصیربافی در خوزستان

حصیربافی در خوزستان به شهر یا منطقه خاصی تعلق ندارد. هر جا که درخت نخل یافت شود، می‌توان انواع حصیربافی را در آن پیدا کرد. سفرنامه ناصر خسرو از منابعی است که به حصیربافی خوزستان اشاره کرده است. در این سفرنامه به حصیر مرغوبی اشاره شده که به حصیر عبادان (آبادان) معروف است و مردم از آن خریداری می‌کردند (ناصر خسرو ۱۳۵۴، ۱۶۱). در کتاب احسن التقاسیم آمده است که بیشتر مردم «عبادان» (آبادان فعلی) حصیرباف بوده‌اند (مقدسی ۱۳۶۱، ۱۶۳). در سفرنامه لایارد، نیز در چند قسمت مختلف به خانه‌هایی از حصیر و بوریا اشاره شده که به صورت موقت برپا می‌شده است. وی گفته است: در خرمشهر (محره) وقتی به دیدن شیخ ثامری رفته، شیخ از او تقاضا می‌کند که به تهایی با او مذاکره کند او را به حرم دعوت می‌کند. حرم محوطه وسیعی بود که دیوارهایش به صورت قطعات جداگانه با نی، چوب و طناب به هم بسته شده و سقفش نیز با پوشال و الیاف درختان پوشانده بود و حجره‌های متعددی هم به وسیله جداره‌هایی از حصیر و بوریا‌های ظریف رنگی از هم مجزا شده بود (لایارد ۱۳۷۶، ۲۱۰). حصیربافی در خوزستان در میان عشایر بختیاری و عرب رواج داشته و هم‌اکنون هم گونه‌های بافت آن تداوم دارد. در گذشته صنعت حصیربافی مختص زنان نبوده و مردان هم در کنار زنان به بافتن وسایل حصیری برای زندگی و کار خود مشغول بوده‌اند. مریم تختایی در گفت‌وگو با نگارندگان گفته است حصیربافی در میان عشایر بختیاری به نام «کیوبافی» شناخته می‌شود (تختایی، گفت‌وگو، ۴ آذر ۱۳۹۷). به گفته ایشان کپو در لهجه دزفولی یعنی گرد، مثل سر انسان. چون در ابتدا ظروف گرد و کوچکی با استفاده از برگ درخت نخل بافته می‌شد که کاملاً ساده و بدون نقش بودند و مردم محلی آن‌ها را کپو می‌نامند (همان). منطقه «شهینون» در شهر دزفول از دیرباز محل بافتن کپو بوده است.

۵-۳. حصیربافی مردم عرب خوزستان

مردم عرب، بخشی از اقوام ساکن جنوب غرب ایران هستند که در نواحی عمدتاً غربی و مرزی خوزستان و برخی دیگر استان‌های نزدیک به خوزستان سکونت دارند. این مردم به زبان عربی صحبت می‌کنند و دارای فرهنگ، دل‌بستگی‌ها و علایق خاص خود هستند. یکی از دل‌بستگی‌های مردم عرب وابستگی به درختان بومی، به خصوص درخت نخل است. این مردم از دیرباز از قسمت‌های مختلف نخل برای تأمین مایحتاج خود استفاده می‌کردند. حصیربافی یا «صناعت الخوص» ریشه در زندگی آبا و اجدادی این مردم دارد. این صنعت به نام «صناعت السّفف» نیز شناخته شده است.

حصیربافی در زندگی مردم عرب خوزستان، پیوندی عمیق و حضوری پررنگ دارد. این مردم در جغرافیای زیست خود، به هر دو ماده اولیه نی و حصیر دسترسی دارند و نی را از تالاب‌ها و برگ درخت نخل را از نخلستان محل زندگی خود به دست می‌آورند. به گفته دیالافوا اغلب مایحتاج زندگی این مردم وسایل و ظروف برآمده از نی بود. وسایلی مانند تختخواب، گهواره، ظروف آشپزخانه، دمپایی، بسته‌بندی برخی محصولات چون خرما و برخی از ابزار کار از این جمله بودند (دیالافوا ۱۸۸۷، ۵۴۷). از آنجا که وسایل ساخته شده با الیاف گیاهی ماندگاری طولانی ندارند، نمی‌توان به قدمت واقعی حصیربافی در خوزستان پی برد. «اما با بررسی نقش مضیف (خانه‌ای از نی)، بر روی الواح کشف شده می‌توان قدمت سومری حصیر و بوریا بافی را ثابت کرد (مجتهدزاده و کاوه ۱۳۹۱). حصیر در نزد مردم عرب خوزستان بیش از آنکه هنر باشد، فعالیتی کاربردی و به منظور برطرف کردن نیازهای زندگی آن‌هاست.

۶-۳. مواد اولیه حصیربافی

ماده اصلی حصیربافی برگ درخت نخل است که به زبان مردم محلی به آن خوص^{۲۱} می‌گویند. ماده دیگر حصیربافی علفی است که به عربی آن را هَلْفَه^{۲۲} می‌نامند. عشایر بختیاری به این علف کرْتک^{۲۳} می‌گویند (تصویر ۷) دسته خشکیده خرما که به عربی به آن عثگ^{۲۴} گفته می‌شود، از مواد دیگر مورد نیاز ظروف حصیری است. مردم عرب عثگ را به صورت رشته‌های باریک درآورده، از آن به عنوان مغزی در بافتن اخترازه استفاده می‌کنند (تصویر ۸). ظروف حصیری که عثگ در مغز آن‌ها قرار گرفته است، استحکام و ماندگاری بیشتری دارند. سیسبان نیز از گیاهان

خودروبی است که در برخی مناطق عرب‌نشین خوزستان در بافت طبق (سینی) از آن استفاده می‌شود. مردم شهر شوش در گذشته‌ای نه‌چندان دور، گیاه سیسبان را برای مغز بافت کیو (مفتولی) یا در تهیه طبق (سینی) به کار می‌بردند (تصویر ۹).



تصویر ۱۰: برخی از ابزار حصیربافی (نگارندگان)



تصویر ۹: گیاه سیسبان (نگارندگان)



تصویر ۸: تصویر عثگ، ساقه زردرنگی که خرما به آن وصل می‌شود (نگارندگان).



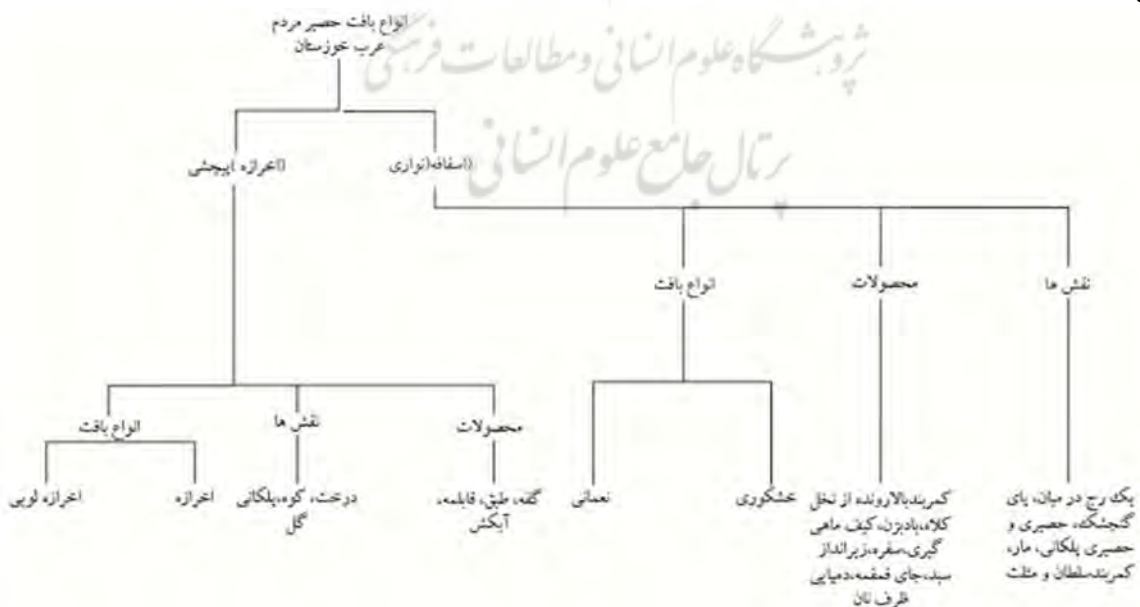
تصویر ۷: گیاه کرنک (نگارندگان)

۷.۳. ابزار حصیربافی

فاطمه بروایه، کارآفرین در زمینه تولیدات حصیری، درباره ابزار حصیربافی مردم عرب خوزستان، در گفت‌وگوی میدانی گفته است: ابزار مورد نیاز حصیربافی در خوزستان تعدادی ابزار ساده ابتدایی مانند مینیل^{۲۵}، مگص^{۲۶}، مگراض^{۲۷}، مخیاط^{۲۸} و مخراز^{۲۹} (نک: تصویر ۱۰) است (فاطمه بروایه، ارتباط شخصی، ۱۲ دی ۱۳۹۷). از داس و قیچی برای بریدن دسته خشکیده خرما و همچنین جدا کردن برگ درخت نخل از شاخه درخت استفاده می‌شود. قسمت انتهایی برگ درخت نخل به وسیله قیچی بریده و با سوزن و درفش کار اصلی دوخت حصیر انجام می‌شود. سوزن برای رد کردن برگ درخت نخل یا نخ‌های رنگی به دور هلهه و عتگ است.

۸.۳. روش‌های حصیربافی

حصیربافی بر اساس روش بافت به دو شاخه تقسیم می‌شود: اسفاهه^{۳۰} (بافت نواری) و اخرازه^{۳۱} (بافت مفتولی). بافت اخرازه نیز به دو روش مشابه بافته می‌شود. در این دو روش، ابزار بافت متفاوت و به وسیله سوزن و درفش است. به دلیل تفاوت در نوع پیچش، بافت پایانی ایجادشده کاملاً شکل متفاوتی دارد که در ادامه به معرفی آن پرداخته می‌شود. نمودار ۲ تقسیم‌بندی انواع بافت حصیر مردم عرب خوزستان را نشان می‌دهد.



نمودار ۲: تقسیم‌بندی انواع بافت حصیر مردم عرب خوزستان (نگارندگان)

۱.۸۳. اسفافه (بافت نواری)

این نوع بافت کاملاً با دست انجام می‌شود و در آن از برگ‌های سفید و رنگ‌شده استفاده می‌کنند. برگ‌ها قبل از استفاده در آب ولرم خوابانده شده تا نرم شوند، سپس از آب بیرون می‌آورند و در گونی قرار می‌دهند تا همچنان نرم بمانند. پس از آن متناسب با محصول تولیدشده، تعداد برگ درخت نخل (خصوصاً) را برای بافت انتخاب می‌کنند (تصویر ۱۱). برای بافت سماط^{۳۲}، اکلاو^{۳۳} و زبیل^{۳۴} از چهار عدد برگ درخت نخل استفاده می‌کنند. پس از درگیر کردن برگ درخت نخل، در ابتدای کار با ناخن آن‌ها را از وسط نصف کرده و شروع به بافت می‌کنند (تصویر ۱۲). انواع بافت با تعداد گره‌های ایجادشده مشخص می‌شود. گره‌های ۹، ۱۰، ۱۳ و ۲۱ برای بافت ظروف حصیری به کار می‌رود. به هر دو متر بافت نواری یک «گام» گفته می‌شود که در بافت سفره ۲ گام، کلاه ۳/۵ گام و سبد خرما ۱۰ گام مورد نیاز است.



تصویر ۱۲: برگ دونیمه‌شده درخت نخل؛ شکل کامل این برگ برای بافت خشکوری و نیمه آن برای بافت نعمانی کاربرد دارد (نگارندگان).



تصویر ۱۱: بافت اسفافه یا نواری که با پیچاندن زیر و رو کردن چهار برگ نخل نوار به دست می‌آید (نگارندگان).

پس از بافت نوار به طول دلخواه (تصویر ۱۳)، با توجه به شکل نهایی محصول نوار با سوزن دوخته می‌شود (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۵: نمونه بادیزن، بافت خشکوری؛ در این نوع بافت برگ بدون وجود ترکیب با گیاه دیگر با دست و درفش بافته می‌شود (نگارندگان).



تصویر ۱۴: سفره؛ نقش طبا اب طبا. نوع بافت: اسفافه. در این تصویر نوارهای بافته‌شده مانند تصویر قبلی با سوزن کنار هم بافته می‌شوند (نگارندگان).



تصویر ۱۳: نوارهای بافته‌شده به وسیله بافت اسفافه؛ در این فرایند نوارهای بافته‌شده در کنار هم قرار گرفته، سپس به هم دوخته می‌شوند (<http://www.asremahahwaz.ir/khouzestan/>).



تصویر ۱۸: کیف ماهی‌گیری؛ بافت اسفافه (نگارندگان)



تصویر ۱۷: سفره با نقشی متفاوت به نام پای گنجشک؛ نوع بافت: اسفافه (نگارندگان)



تصویر ۱۶: بافت نعمانی؛ این نوع بافت نسبت به قبلی ظریف‌تر است و سطح بافته‌شده با سوزن و عناصر دیگر به دسته اتصال پیدا کرده است (<https://rezaplastic.ir/>).

بافت اسفافه خود به دو گونه بافت «خشکوری» و «نعمانی» تقسیم می‌شود. در بافت خشکوری که خشن‌تر است از کل پهنای برگ درخت نخل استفاده می‌شود (تصویر ۱۵) درحالی‌که در بافت نعمانی از نصف برگ درخت استفاده می‌شود، در نتیجه ظریف‌تر است (تصویر ۱۶).

فراورده‌های تولیدشده از تکنیک اسفافه شامل سفره (تصاویر ۱۴ و ۱۷)، سبد مخصوص نگهداری و جابه‌جایی خرما، کلاه، مهفه^{۳۵} (تصاویر ۱۵ و ۱۶) کبکاب^{۳۶}، بل^{۳۷}، قاروره^{۳۸}، دور^{۳۹}، خساف^{۴۰} (تصویر ۱۸) و فروند^{۴۱} است.

۱-۱-۸-۳. نقش و طرح در روش بافت اسفافه

در روش بافت اسفافه نقش‌ها عمدتاً مدولار و تابع حرکت برگ نخل در بافت محصول اند که با استفاده از برگ‌های رنگ‌شده از بافت اصلی متمایز می‌شوند. برخی از این نقش‌ها منظم و تابع آهنگ خاص پهنای برگ کامل نخل مانند روش بافت خشکوری یا نیم برگ چون روش بافت نعمانی است. تصاویر ۵ تا ۱۲ برخی از نقش‌های رایج روش بافت اسفافه (نواری) را نشان می‌دهد. زهیری در گفت‌وگوی با نگارندگان درباره نقوش حصیری مردم عرب خوزستان گفته است برخی از این نقوش ذهنی است (زهیری، مصاحبه ۱۰ دی ۱۳۹۷). در این خصوص سبجانی نیز در مصاحبه با نگارندگان گفته است نقش‌هایی که امروزه در حصیربافی استفاده می‌شود، به‌تبعیت از نقوش قدیمی‌تر مردم این منطقه تکرار شده و به امروز رسیده است (سبجانی، ارتباط شخصی، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸). برخی از نقش‌های بافت اسفافه عبارت‌اند از: رجل الزرور^{۴۲} (این نقش در شهرستان شادگان به نام ابوالعجس^{۴۳} معروف است) (تصویر ۱۹ و ۲۰) و طبا اب طبا^{۴۴} (تصویر ۲۱)، احزام السلطان^{۴۵}، ابو اعونه^{۴۶}، درب الحیه^{۴۷} (تصویر ۲۵) و نقش زیگزاگ (تصویر ۲۶) از دیگر نقوش بافت اسفافه است.



تصویر ۲۲: بافت نعمانی طرح‌دار (نگارندگان)



تصویر ۲۱: نقش طبا اب طبا در تکنیک اسفافه (نگارندگان)



تصویر ۲۰: نقش پای گنجشک به‌کاربرده‌شده در سفره؛ تکنیک اسفافه (نگارندگان)



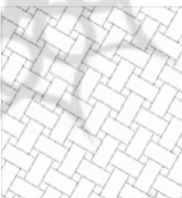
تصویر ۱۹: نقش پای گنجشک در تکنیک اسفافه (نگارندگان)



تصویر ۲۶: نقش زیگزاگ (نگارندگان)



تصویر ۲۵: نقش درب الحیه و کاربرد آن در طرح سفره (نگارندگان)



تصویر ۲۴: بافت خشکوری (نگارندگان)



تصویر ۲۳: بافت نعمانی بدون طرح (نگارندگان)

۲-۱-۸-۳. بافت اخرازه (مفتولی)

اخرازه بافته‌ای از برگ درخت نخل، دسته خشکیده خرما (عتگ) و علفی به نام هلفه است. در این روش ابتدا فرم مورد نظر را برای بافت انتخاب کرده و برگ درخت نخل را به دور هلفه، عتگ یا مخلوط هر دو می‌پیچانند و سپس به‌وسیله سوزن یا درفش شروع به بافت می‌کنند (تصویر ۲۷). اخرازه به دو صورت بافته می‌شود. اگر برگ درخت نخل یا کاموای رنگی را با درفش یا سوزن از مفتول عبور دهند، به این بافت «اخرازه» می‌گویند و گاهی نیز برگ درخت نخل را چند بار به دور مغزی می‌پیچانند و پس از چند سانتی‌متر بیچش، برگ را با درفش از مفتول عبور می‌دهند؛ این نوع بافت را «لویی» یا بافت «بیچش» می‌گویند. بنا بر گفته حصیرباغان عرب خوزستان، در گذشته از این نوع بافت برای تهیه ظروف گرد و دوردار استفاده می‌شد. محصولات تولیدشده در حصیربافی اخرازه و لویی، طاسه^{۴۸} (تصویر ۲۸) آبکش (تصویر ۲۹) و ظرفی با وسط برآمده به نام گفه^{۴۹} (تصویر ۳۰)، طبق^{۵۰} (تصویر ۳۱) و نیز انواع ظروف گرد کوچک و بزرگ مانند تصویر ۳۲ است. در سال‌های اخیر، نوآوری‌های شکلی متنوعی در زمینه انواع ظروف گرد، دردار و چهارگوش دیده شده است.



تصویر ۲۹: آبکش؛ نوع بافت: اخرازه لویی (نگارندگان)



تصویر ۲۸: کاسه، نقش پلکانی، نوع بافت: اخرازه لویی (نگارندگان)



تصویر ۲۷: روش بافت اخرازه (نگارندگان)



تصویر ۳۲: قابلمه، نقش گل؛ نوع بافت: اخرازه (نگارندگان)



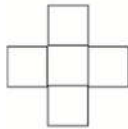
تصویر ۳۱: سینی (طبق)، نقش درخت؛ نوع بافت: اخرازه (نگارندگان)



تصویر ۳۰: گفه؛ نوع بافت: اخرازه (نگارندگان)

۱.۲.۸.۳. نقش و طرح در روش بافت اخرازه

در بافت اخرازه، نقش‌ها با برگ رنگ‌شده نخل به صورت پیچشی و به‌تبع شیوه بافت انجام می‌شود (تصویر ۲۸)، اما امروزه به دلیل کم شدن مواد اولیه بافت اخرازه، بافندگان از نخ‌های پلاستیکی و کاموهای رنگی برای بافت و نیز منقوش کردن ظروف استفاده می‌کنند. نام‌گذاری برخی از نقوش حصیربافی مردم عرب خوزستان، برگرفته از زندگی پیرامونی آن‌هاست. نقوشی مانند پلکانی (بول الثور) (تصویر ۳۳)، نقش سدره^{۵۱} (تصویر ۳۴)، نقش کوه (تصویر ۳۵)، نقش گل (ورده)^{۵۲} (تصویر ۳۶)، برخی از نقوش این روش بافت هستند. به نظر می‌رسد، این نقش برگرفته از نقوش آجری معماری خوزستان است. برخی دیگر از نقوش حصیر مردم عرب خوزستان لوزی (لوز) و مثلث (ابول عوزه) است.



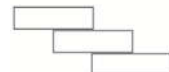
تصویر ۳۶: نقش گل (نگارندگان)



تصویر ۳۵: نقش کوه (نگارندگان)



تصویر ۳۴: درخت (نگارندگان)



تصویر ۳۳: نقش پلکانی (نگارندگان)

۹.۳. رنگریزی

برای جذاب‌تر شدن برگ‌های درخت نخل آن‌ها را رنگ می‌کنند. به‌گفته شعباوی، رنگریزی حصیر مردم عرب، آیینی کاملاً زنانه با احترام و تابع قواعد خاص خود چون رنگریزی نکردن در روزهای چهارشنبه و جمعه، پاکیزگی هنگام رنگریزی، مکانی بی‌سروصدا و آرام، هوای آزاد و آرامش فرد رنگریز است (نک: تصاویر ۳۷). به‌باور این مردم مجموعه این قواعد بر کیفیت رنگ‌پذیری برگ اثرگذار است (شعباوی ۱۳۹۶ در گفت‌وگو با شبکه خبری محلی عصر ما). در گذشته این کار به‌صورت طبیعی از انواع سبزی، زردچوبه، کلم بنفش و مانند آن تهیه می‌شده، اما امروزه به‌دلیل گسترده‌گی رنگ‌های شیمیایی از رنگ‌های گیاهی و طبیعی بسیار کم استفاده می‌شود. برای رنگ کردن برگ درخت نخل ابتدا مقداری آب را در تشت یا قابلمه می‌جوشانند. در این خصوص عادل برکتی می‌گوید: وقتی آب جوشید، مقداری پودر رنگ به‌همراه زاج سفید به آب اضافه می‌کنند و سپس برگ‌های خرما را که خشک هستند، به آن اضافه کرده و به‌اندازه‌ای که برگ درخت نخل، رنگ دلخواه را به خود بگیرد، عملیات رنگریزی ادامه پیدا می‌کند (برکتی، ارتباط شخصی، ۱۱ دی ۱۳۹۷). عباس سعیدی می‌گوید: دلیل اضافه کردن زاج سفید به محلول رنگ، ثبات رنگ پس از خشک شدن است (سعیدی، ارتباط شخصی، ۲۰ دی ۱۳۹۷). همچنین بنا بر گفته حسنه دلف عبودی، مدت‌زمان باقی ماندن خصوصاً در آب در حال جوش نباید زیاد باشد، چون خصوصاً خشک و شکننده شده و کارایی خود را از دست می‌دهند (حسنة دلف عبودی، ارتباط شخصی، ۲۵ آذر ۱۳۹۷). حصیر مردم عرب ضمن مشابهت متعدد با حصیر کشورهای عرب همسایه تفاوت‌هایی هم دارد، از جمله این تفاوت‌ها استفاده از رنگ‌های متنوع در حصیربافی کشورهای عربی منطقه است.



تصاویر ۳۷: تصاویری از رنگرزی برگ درخت نخل برای تولیدات حصیری و نمونه برگ‌های رنگ شده

(<http://www.asremahawaz.ir/khouzestan/>) تاریخ دسترسی اردیبهشت ۱۴۰۱

۱۰-۳. تفاوت حصیر مردم عرب خوزستان و دیگر مناطق ایران

از آنجا که برگ‌های نخل (خصوصاً) در خوزستان به دلیل تاب‌آوری و تبخیر کمتر آب، اغلب کوتاه‌ترند، در حصیربافی مردم خوزستان از تکنیک بافت اسفاهه (نواری) استفاده می‌شود. حصیربافان با بافتن نوار و سپس دوختن آن، محصولات مورد نیاز خود مثل سفره، کلاه، بل و... را تولید می‌کنند، این در حالی است که در سیستان و بلوچستان به علت وجود درخت نخل با برگ‌های پهن و بلند بافت، حصیر به صورت یکپارچه است. با وجود کشت برنج و گندم در استان خوزستان، حصیربافی با این مواد در استان خوزستان رایج نیست. هرچند برخی از حصیربافان اظهار می‌کنند که در گذشته اجداد آن‌ها با ساقه گندم حصیربافی می‌کرده‌اند در حالی که حصیربافی با ساقه گندم و برنج در مناطق شمالی کشور رایج است.

دیگر تفاوت حصیر مردم عرب خوزستان با مناطق ایران، سادگی بافت حصیر این مردم است. در استان‌های شمالی، جنوبی و شرق کشور که از مناطق مهم حصیربافی ایران هستند، استفاده از تزیینات جانبی در وسایل بافته شده به وفور به چشم می‌خورد. تزییناتی مثل، نخ پشمی، نخ طلابی، سنگ‌های تزیینی و منگوله‌های پشمی از جمله تزییناتی هستند که حصیر این مناطق را از حصیربافی خوزستان قابل تشخیص می‌کند. در استان خوزستان استفاده از نخ رنگی فقط در گفهبافی (قفه‌بافی) زنان عرب سابقه داشته و در سال‌های اخیر در کپوبافی رایج شده است. قفهبافی با کاموا مختص مردم عرب خوزستان است. در مناطقی که خصوصاً کم‌یاب باشد یا در فصولی که دسترسی به آن کم باشد، زنان عرب از عتگ به عنوان مغزی و از نخ‌های رنگی به عنوان مفتول در اخرازه‌بافی استفاده می‌کنند که آن را عتگ‌بافی می‌نامند. از این تکنیک بیشتر برای بافت طبق و گفه استفاده می‌شود.

۴. نتیجه‌گیری

محصولات حصیری مردم عرب به دو روش بافت اسفاهه و اخرازه بافته می‌شوند و هریک از این دو روش خود به دو روش مختلف بافته می‌شوند. بافت خشکوری و نعمانی زیرمجموعه بافت اسفاهه است و بافت اخرازه و اخرازه لویی زیرمجموعه بافت اخرازه. تفاوت مهم بافت حصیر مردم عرب با سایر نقاط کشور در بافت اسفاهه است. این نوع بافت در مناطق عرب‌نشین خوزستان به صورت نواری بافته و سپس به هم دوخته می‌شود. این در حالی است که بافت محصولات مشابه در مناطق دیگر به صورت یکپارچه و بدون دوخت است. دلیل رواج این نوع بافت تأثیر مواد اولیه و مشخصاً کوتاهی و برگ‌های نخل مناطق خوزستان است که شاید خود نشئت گرفته از گرمای بسیاری شدید در خوزستان و تاب‌آوری بهتر گونه‌های برگ کوتاه در مقابل گرماست. در حالی که در سیستان طول برگ نخل بلندتر است و نوع بافت یکپارچه است. بافت نواری خود به علت عنصر واسط دوخت، ظرافت کمتری داشته و در نتیجه موجب به هم خوردن نظم مدولار نقوش می‌شود، در حالی که ظرافت و نظم نقش در بافت یکپارچه بیشتر است.

از سوی دیگر باورمندی ریشه‌دار مردم عرب خوزستان به تقدس و ارزشمندی درخت نخل و اعتقاد عمیق به سلامت جان نخل با حفظ برگ‌های اصلی و قلب یکی از دلایلی است که این مردم را به تولیدات حصیری با منشأ برگ‌های کم کیفیت مانند سعف (به تعبیر مردم عرب خوزستان) سوق داده است. بر این اساس تولیدات اغلب این مردم با تکنیک اسفاهه و از برگ‌های کم کیفیت و دورریز است. نام‌گذاری صنعت حصیر مردم عرب به «صناعات سعف» که در متن اشاره شد، احتمالاً قریب به یقین، به همین دلیل است.

برخی از محصولات بافت اسفافه، سفره، کیف ماهی‌گیری، زنبیل، کمر بند نخل، کلاه، زیرانداز، بادبزن، دمپایی، جای قمقمه آب و ظرف نان هستند که با نقش‌هایی چون یک رج در میان، پای گنجشک، حصیری و حصیری پلکانی، مار، کمر بندسلطان و مثلث آذین می‌شوند. محصولات بافت اخرازه اغلب با ضخامت بیش از یک سانتی‌متر و سازه‌های محکم شامل ظروف باداوم تخت، گرد و چهارگوش، مانند طبق، کاسه، آبکش و قابلمه هستند. نام نقش‌های این بافت، پلکانی، درخت، کوه، گل و مانند آن است و همان گونه که پیش‌تر هم گفته شد، این بافت در مناطق زیست مردم عرب خوزستان رونق کمتری دارد.

در مجموع چهار ویژگی عمده حصیر مردم عرب خوزستان به‌تبع شرایط محیطی و اقلیمی برگ درخت نخل، بافت نواری و در نتیجه ظرافت کمتر نقوش، استفاده کمتر از رنگ و همچنین کاربرد کمتر عناصر الحاقی مصنوع چون کاموا و نخ‌های رنگی است؛ که اولین و دومین ویژگی نتیجه خاصیت فیزیکی طول برگ درخت نخل در منطقه خوزستان تحت‌تأثیر گرماست. اگر نوع بافت خشکوری در محصولی چون بادبزن مردم عرب خوزستان را که هیچ عنصر غیرطبیعی در آن مداخله ندارد، در نظر بگیریم، می‌توان ادعا کرد که برخی از اقلام بافته‌های حصیر این منطقه به‌علت استفاده نکردن از عناصر مصنوعی تا حد زیادی طبیعی و ارگانیک‌تر از سایر مناطق است.

تشکر و قدردانی از نام‌های زیر به دلیل همکاری آن‌ها در گفت‌وگوی میدانی

ناجی حیدری در خصوص گیاه «بردی»؛ علی‌ثابتی درباره ظرف حصیری گفه؛ مریم جلیل‌زاده صنعتگر و کارآفرین شهر شادگان درباره انواع برگ‌های درخت خرما؛ علی حیدری در خصوص مضاف و بوریا بافی؛ کحلیمه دوسبان از روستای «یوبه» شادگان برای ارائه اطلاعات نقش‌های حصیربافی؛ فخریه سعیداوی صنعتگر حصیرباغ در شهرستان حمیدیه؛ حاج خلف بافنده بوریا ساکن شهر رفیع؛ نسیمه عبودی درباره نقش ابواغونه و شیوه بافت اخرازه؛ حمیده میاحی درباره کاربرد عسگ در حصیربافی و معرفی نقش درخت از روستای تقیشیات شهرستان شوشتر؛ فاطمه بروایه در خصوص فرم‌های حصیربافی؛ حسنه دلف‌عبودی برای اطلاعات رنگ‌رزی برگ درخت نخل و تکنیک اسفافه؛ زهرا سبحانی درباره نقش طبا اب طبا؛ عادل برکتی در خصوص رنگ‌رزی برگ درخت نخل؛ خانم زهیری به‌خاطر ارائه اطلاعاتی درباره حصیربافی مردم عرب؛ مریم تختایی برای گفت‌وگو در خصوص کپوبافی دزفول.

پی‌نوشت‌ها

1. Hannes Wolf
2. Austen Henry Layard
3. بیت الگصب یا بیت القصب. در زبان فارسی آن را خانه نین می‌نامند. این نوع خانه‌سازی در گذشته، در هورالعظیم در مناطق مشترک جنوب ایران و عراق رواج داشته است.
4. Wilfred Patrick Thesiger
5. کتابی به نویسندگی ویلفرد تسیجر متولد ۱۹۱۰م در آدیس آبابا پایتخت حبشه که آن هنگام مستعمره انگلیس بود. نویسنده از اواخر ۱۹۵۱ تا ژوئن ۱۹۵۸ در تالاب‌های جنوب عراق زندگی کرده است.
6. گلب یا قلب، برگ‌های مرکز درخت نخل را می‌نامند. از برگ‌های قلب نخل ظروف حصیری گران‌قیمت و بادوامی بافته می‌شود. رنگ برگ قلب سفید و روشن است.
7. ردیف سوم برگ‌های درخت نخل حضان نام دارند. این گروه از برگ‌ها به رنگ سبز روشن هستند.
8. ردیف دوم برگ‌های درخت نخل را بردل می‌نامند.
9. خارجی‌ترین برگ‌های درخت نخل را سعف می‌نامند. سعف ارزان‌ترین و فراوان‌ترین برگ‌های درخت نخل است. سعف به برگ جارو نیز معروف است.
10. <https://abadis.ir/fatofa/%D8%AD%D8%B5%DB%8C%D8%B1/>
11. مردم عرب خوزستان به بافته‌هایی که از الباف گیاهی تولید می‌کنند حصیربافی می‌گویند.
12. نی بوریا در تالاب‌های استان خوزستان رشد می‌کند. از این نی بافته‌هایی تولید می‌شود که به آن باریه گفته می‌شود. باریه در میان مردم عرب خوزستان و سایر مردم خوزستان برای پوشش کف، دیوار و سقف استفاده می‌شود.
13. لیغ‌بافی در منطقه گیلان رواج دارد. شیوه بافت به صورت دو تا زیر و دو تا رو است.
14. مور ماده اولیه حصیر پرده‌ای است که بیشتر در اطراف جوی آب یافت می‌شود. در مرحله بافت، مانند گلیم و پارچه نخ‌هایی بر روی سطح زمین

- به صورت تار چله کشی و مور به صورت پود از لابه لای نخ عبور داده می شود.
۱۵. ترکه بافی نوعی دست بافتی از ساقه گیاهان است. ماده اولیه مورد نیاز این هنر صناعی ساقه های نارس گیاهان به ویژه درخت بید است.
۱۶. جم بافی شبیه ترکه بافی است و در روستاهای حاشیه مراغه رواج دارد.
۱۷. مروار بافی سابقه زیادی ندارد و در بخش هایی از گیلان رواج یافته است. به کمک ترکه های باریکی به نام مور مصنوعات مانند سبد، جامیوه ای و... تولید می شود.
۱۸. مرکز اصلی رویش یا کشت بامبو، لیالستان لاهیجان و مهم ترین مرکز تولید آن همان مکان است. بافت هریک از مصنوعات تولید شده با بامبو بستگی کامل به طرح و فرم مورد نظر هنرمند دارد.
۱۹. جیغ بافی بافت حصیری به صورت دیوار است که تقریباً یک و نیم متر پهنا دارد و در روی آن نقش هایی به وسیله نخ های رنگارنگ پشمی ایجاد شده است. این بافت یکی از تولیدات مناطق عشایرنشین کرمان است.
۲۰. William James Durant؛ نویسنده و تاریخ نگار مشهور آمریکایی (۱۸۸۵-۱۹۸۱). مهم ترین اثر وی، تاریخ تمدن نام دارد که در ۱۱ جلد به چاپ رسیده است.
۲۱. برگ خشکیده درخت نخل را حوص می گویند.
۲۲. هلفه علف هرزی است که در اغلب مناطق استان خوزستان در کنار جوی آب می روید. از این علف به عنوان مغزی نوار مفتولی در حصیر بافی استفاده می شود. مردم خوزستان این گیاه را در تابستان و در سایه خشک می کنند تا در زمستان از آن در حصیر بافی استفاده کنند.
۲۳. در لهجه دزفولی به علف هرزی که در حصیر بافی به کار برده می شود کرتک گفته می شود.
۲۴. سگ دسته خشکیده خرماست. مردم عرب خوزستان این دسته خشکیده را می شکافند و رشته می کنند سپس در آب می خیسانند تا نرم شود و در مغزی حصیر بافی اخرازه همراه با هلفه به کار برده شود.
۲۵. به زبان عربی یعنی داس. بعضی مناطق خوزستان آن را منجل تلفظ می کنند.
۲۶. وسیله بریدن؛ چاقو.
۲۷. قیچی.
۲۸. سوزن؛ وسیله ای برای دوخت.
۲۹. درفش.
۳۰. تکنیک اسفاهه مختص مردم عرب خوزستان است. در این بافت از ابزار استفاده نمی شود. انواع سفره، کلاه، سبد و جارو به وسیله این بافت تهیه می شود.
۳۱. از دیگر تکنیک های حصیر بافی اخرازه است که با ابزار سوزن یا درفش بافته می شود. این بافت نسبت به اسفاهه بافت محکم و بادوامی است. نوع دیگر بافت اخرازه را لویی می گویند که از پیچش برگ درخت نخل به دور نوار مغزی حاصل می شود.
۳۲. سفره؛ سفره حصیری که با تکنیک اسفاهه بافته می شود.
۳۳. کلاه.
۳۴. انواع سبد حصیری با اندازه و کاربرد مختلف. زبیل با تکنیک اسفاهه بافته می شوند.
۳۵. بادبزن.
۳۶. دمپایی که رویه آن با اسفاهه بافته می شود و کفی آن از بدنه درخت نخل تهیه می شود.
۳۷. زیرانداز حصیری.
۳۸. ظرفی استوانه ای و دردار که با تکنیک اسفاهه بافته می شود و برای نگهداری قمقمه آب و حبوبات به کار می رود.
۳۹. شبیه طبق است اما با تکنیک اسفاهه بافته می شود. از این ظرف برای قرار دادن نان های گرم استفاده می شود که تازه از تنور بیرون آمده است.
۴۰. کیف حصیری که روی دوش می گذارند. در گذشته ماهی گیران از این کیف برای قرار دادن ماهی در آن استفاده می کردند.
۴۱. ابزار بالا رفتن از درخت نخل که همانند کمر بند است.
۴۲. پای گنجشک.
۴۳. نقش رجل الزر زور در شهر شادگان به نام ابوالعجس معروف است. به سبب زاویه دار بودن این نقش آن را به این نام می خوانند.
۴۴. یک رج در میان. در این نقش هر رج به یک رنگ خاص بافته می شود.
۴۵. کمر بند پادشاه.

۴۶. کسی که یک چشم دارد.
۴۷. درب الحیه از نقوش حصیربافی مردم عرب خوزستان است؛ یعنی اثر حرکت مار روی زمین.
۴۸. کاسه.
۴۹. گفه ظرف حصیری است که با تکنیک اخرازه بافته می‌شود و در میانه آن برآمدگی وجود دارد. در گذشته برای خواباندن مرغ کرچ روی تخم مرغ هایش از این ظرف استفاده می‌کردند.
۵۰. طبق یا طبگ ظرف حصیری شبیه سینی است که با تکنیک اخرازه بافته می‌شود.
۵۱. درخت.
۵۲. گل. مردم دزفول معتقدند که این نقش از آجرکاری دزفول برداشت شده است.

منابع

۱. تسیجر، ویلفرد. ۱۳۸۰. عرب‌های هور. ترجمه محمد جواهرکلام و عبدالحسین جواهری. تهران: نشر شادگان.
۲. دیالافوا، زان. ۱۸۸۷م. ایران کلد و شوش. ترجمه علی محمد فره‌وشی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. رفیعی‌راد، رضا. ۱۳۹۹. «پژواک حادثه روایت متن ادبی در تصویر درخت در نگارگری مکتب هرات». مجله پیکره ۹ (۲۱): ۳۶-۲۵.
۴. شعباوی، فاطمه. ۱۳۹۶. رنگ‌آمیزی خوص‌ها. نمایه‌شده در آدرس: <http://www.asremahahwaz.ir/khouzestan/>
۵. ضابطی‌چهرمی، احمد. ۱۳۸۹. پژوهش‌هایی در شناخت هنر ایران. تهران: نشر نی.
۶. علی‌زاده، مه‌بانو. ۱۳۹۸. درختان مقدس. نمایه‌شده در پایگاه مرکز بزرگ دایرةالمعارف اسلامی، به آدرس <https://www.cgie.org.ir>
۷. قاسمی، حمید، و محمد اخگری. ۱۴۰۰. مرجع پژوهش. ویراست نوزدهم. تهران: اندیشه آرا.
۸. لایارد، هنری. ۱۳۷۶. سراوستن لاریاد. سفرنامه لایارد. ترجمه مه‌راب امیری. تهران: انتشارات آژان.
۹. مجتهدزاده، روح‌الله، و کاوه ضیا. ۱۳۹۱. «خانه‌های نیئین؛ جلوه‌ای متمایز از پایداری در معماری». مجله پیکره ۱ (۲)، ۶۷-۵۷.
۱۰. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. ۱۳۶۱. احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم. ترجمه علینقی منزوی. چاپ کاویان.
۱۱. ناصرخسرو، ابومعین. ۱۳۵۴. سفرنامه ناصرخسرو. به کوشش محمد دبیرسیاقی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. وولف، هانس‌ای. ۱۳۷۲. صنایع دستی کهن ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. یاور، حسین، مینو اشرفی، مائده کاووسی، و مریم نصیری. ۱۳۹۶. حصیر و حصیرماندهای ایران. تهران: سایبان هنر.

منابع میدانی

۱. برکتی، عادل. ۱۱ دی ۱۳۹۷. ارتباط شخصی، در خصوص رنگ‌رزی برگ درخت نخل. گفت‌وگوی مستقیم. محل گفت‌وگو شهرستان سوسنگرد.
۲. بروایه، فاطمه. ۱۲ دی ۱۳۹۷. ارتباط شخصی در خصوص فرم‌های حصیربافی. گفت‌وگوی مستقیم. محل گفت‌وگو شهرستان کارون در خوزستان.
۳. تختایی، مریم. ۴ آذر ۱۳۹۷. ارتباط شخصی، با مریم تختایی هنرمند کپوباف از دزفول. گفت‌وگوی مستقیم. محل گفت‌وگو شهرستان دزفول.
۴. دلف‌عبدی، حسنه. ۲۵ آذر ۱۳۹۷. ارتباط شخصی در خصوص رنگ‌رزی برگ درخت نخل و تکنیک اسفافه. گفت‌وگوی مستقیم. شهر حمیدیه، بخش گمبوعه.
۵. زهیری، مریم. ۱۰ دی ۱۳۹۷. ارتباط شخصی در خصوص حصیربافی. گفت‌وگوی مستقیم. محل گفت‌وگو شهرستان کارون در خوزستان.
۶. سبحانی، زهرا. ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۸. ارتباط شخصی، گفت‌وگوی مستقیم. درباره نقش طبا اب طبا. محل گفت‌وگو شهرستان کارون در خوزستان.
۷. سعیدی، عباس. ۲۰ دی ۱۳۹۷. ارتباط شخصی، گفت‌وگو با ابوخل‌عل، درباره رنگ برگ نخل. گفت‌وگوی مستقیم. محل گفت‌وگو روستای عبودی در شهرستان شادگان خوزستان.